

بازبینی مطلق و مقید در قانون

مؤلفان

مهدی کریمی

وکیل پایه یک دادگستری و مدرس دانشگاه

امیر اکبر توکلی

(وکیل پایه یک دادگستری و مدرس دانشگاه)

انتشارات قانون یار

۱۳۹۶

سرشناسه	: کریمی، مهدی، ۱۳۵۷ - مهر -
عنوان و نام پدیدآور	: بازیینی مطلق و مقید در قانون / مولفان مهدی کریمی، علی اکبر توکلی.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات قانون بار، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۹۶-۷۳-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: قرآن (اصول فقه)
موضوع	: تفاسیر فقهی -- شیعه
موضوع	: Qur'an -- *Legislative hermeneutics -- Shiite
موضوع	: Qur'an (Islamic law)
موضوع	: اصول فقه شیعه
موضوع	: Islamic law, Shiites -- Interpretation and construction
شناسه افزوده	: توکلی، علی اکبر، ۱۳۵۵ -
رده بندی کنگره	: BP۱۶۱/۲/۲۴ ک ۱۳۹۶
رده بندی دیویی	: ۷/۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۸۷۷۰۱

انتشارات قانون بار

بازیینی مطلق و مقید در قانون

تألیف: مهدی کریمی - علی اکبر توکلی

ناشر: قانون بار

ناظر فنی: محسن ناصی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۹۶-۷۳-۲

تلفن مرکز پخش

۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶

فهرست مطالب

۱۱.....	پیشگفتار
۱۳.....	مقدمه
۱۹.....	فصل اول
۱۹.....	کلیات
۱۹.....	بحث اول: بیان مسئله
۲۲.....	بحث دوم: تاریخچه موضوع (اصول فقه و آیات الاحکام)
۲۸.....	بحث سوم: ضرورت، اهداف و اهمیت موضوع
۲۹.....	مبحث چهارم: پیرامونهای تحقیق
۲۹.....	مبحث پنجم: روش تحقیق
۲۹.....	مبحث ششم: مروری بر تحقیقات گذشته
۳۰.....	مبحث هفتم: تعریف اصطلاحات و بیان مفاهیم
۳۰.....	گفتار اول: تعریف اصول فقه
۳۱.....	گفتار دوم: موضوع علم اصول فقه
۳۳.....	گفتار سوم: مسائل علم اصول
۳۴.....	بند ۱: مطلق
۳۵.....	بند ۲: مقید
۳۷.....	بند ۳: مقدمات حکمت
۴۱.....	فصل دوم
۴۱.....	کلیاتی راجع به مطلق و مقید با شواهدی از آیات الاحکام
۴۱.....	مبحث اول: ماهیت مطلق و مقید
۴۸.....	مبحث دوم: نسبی بودن مطلق و مقید
۵۲.....	مبحث سوم: انواع قید
۵۲.....	گفتار اول: قید متصل
۵۴.....	گفتار دوم: قید منفصل
۵۶.....	مبحث چهارم: اطلاق و انواع آن، عام و انواع آن

۵۶	گفتار اول: اطلاق بدلی و استغراقی
۵۶	بند ۱: مطلق بدلی
۵۸	بند ۲: مطلق استغراقی
۵۸	بند ۳: عام استغراقی و بدلی
۶۰	گفتار دوم: اطلاق افرادی و احوالی و ازمانی
۶۱	مبحث پنجم: اشتراکها و تفاوتها بین عام و مطلق
۶۶	مبحث ششم: کیفیت حمل مطلق بر مقید (جمع مطلق و مقید) در آیات الاحکام
۷۳	مبحث هفتم: نحوه جمع بین مطلق و مقید در اصول فقه
۹۰	مبحث هشتم: الفاظ مطلق
۹۳	گفتار اول: اسم جنس
۹۵	گفتار دوم: علم
۹۶	گفتار سوم: اسم نکر و (اسم معرب)
۹۹	گفتار چهارم: مفرد محلی و «ال»
۱۰۱	فصل سوم
۱۰۱	مقدمات حکمت با شواهدی از آیات الاحکام
۱۰۳	مبحث اول: امکان اطلاق و تقید
۱۰۵	مبحث دوم: عدم نصب قرینه
۱۰۶	مبحث سوم: در مقام بیان بودن گوینده
۱۰۹	مبحث چهارم: عدم وجود قدر متیقن در کلام
۱۱۴	مبحث پنجم: انصراف ذهن
۱۱۴	گفتار اول: تطورات تاریخی انصراف ذهن
۱۱۶	گفتار دوم: اسباب انصراف ذهن
۱۱۶	بند ۱- انصراف ناشی از غلبه وجود
۱۲۳	بند ۲- انصراف ناشی از فزونی استعمال
۱۲۴	بند ۳- انصراف ناشی از شرایط ویژه و تبدیل مصداق به شأن نزول
۱۲۵	بند ۴- انصراف ناشی از نبود برخی از مصادیق در زمان صدور
۱۲۸	بند ۱- انصراف ناشی از ریشه داری حکم در ارتکاز عقلایی

بند ۲- انصراف ناشی از تعمیم ناپذیری موضوع نسبت به مصداقی که موضوع یک حکم ارتکازی	
مخالف، قرار گرفته است.....	۱۲۸
بند ۳- انصراف ناشی از مناسبات حکم و موضوع.....	۱۲۹
گفتار سوم: منشأ انصراف در دو انصراف عارضی و غیر عارضی.....	۱۳۱
خلاصه بحث انصراف.....	۱۳۲
بحث ششم: انس ذهنی.....	۱۳۷
فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهاد.....	۱۳۸
بحث اول: نتیجه گیری.....	۱۳۸
بحث دوم: پیشنهادات.....	۱۴۲
فهرست منابع.....	۱۴۳
الف: منابع فارسی.....	۱۴۳
ب: منابع عربی.....	۱۴۴

پیشگفتار

کتاب حاضر با موضوع بررسی مطلق و مقید با شواهدی از آیات الاحکام تدوین یافته است. هدف نگارنده از ورود در این بحث آشنائی تخصصی با یکی از کاربردی ترین مباحث اصولی (مطلق و مقید) و فروعات آن و انطباق آن با یکی از مهمترین منابع فقهی یعنی قرآن کریم (در بخش آیات الاحکام) بوده است از آنجا که علم اصول، علمی آلی و یکی از ابزارهای مهم در استنباط احکام می باشد، علمی نظری است و در کمتر منبعی به جنبه تطبیقی آن پرداخته شده است. در این میان سعی بر آن بوده است، که قبل از تطبیق عملی مباحث مطلق و مقید با آیات الاحکام، جوانب مهم (اطلاق و تقید) پرداخته و کیفیت استدلال و بهره گیری عملی از این مباحث را مورد توجه قرار گیرد. نویسنده تلاش کرده است، مطالب را از کتب معتبر اصولی استخراج نموده و در حد توان اطلاعات را تجزیه و تحلیل نماید. بر این اساس ساختار شکلی این کتاب حاضر چهار فصل بوده که فصل نخست، به کلیات تحقیق شامل تعاریف، بیان مسئله، اصطلاحات، ذکر پیشینه و اهداف نگارنده از تحقیق اختصاص یافته است. در این فصل گفته می شود که موضوع این اثر علمی تحت مباحث الفاظ از مسائل اصول فقه قرار می گیرد و بحث اطلاق و تقید از اوصاف و ویژگیهای لفظ بوده و نه معنا و در واقع این اوصاف به اعتبار مدخول لفظ است و نه به اعتبار معنای لفظ. در فصل دوم تلاش شده کلیات راجع به مطلق و مقید با شواهدی از آیات الاحکام دنبال شود. در این فصل ماهیت مطلق و مقید با نگاه فلسفی، اصولی، تبیین گردیده و رابطه منطقی بین ایندو بررسی و نظریات مختلف اصولیین بیان شده. بعد از ذکر اقسام قیود بیان شده که قید اصل از احوال شمول دایره مطلق در افراد تحت خود را مانع است و در قید منفصل مانع حجیت مطلق در سایر افراد تحت خود می باشد. در این میان جهت روشن شدن زوایای بحث، انواع اطلاق و نیز عام و تفاوت ایندو را ذکر و بیان شده که عمومیت عام، ناظر به «افراد» است ولی شیوع مطلق، ناظر به «احوال افراد» و نیز این که عموم عام به افراد کلی راجع است و در اطلاق راجع به طبیعت متعلق است. و نیز ظهور و دلالت عام بر عموم وضعی (یعنی ناشی از دلالت لفظی است) و

دلالت مطلق بر اطلاق، مشروط به اثبات مقدمات حکمت است و نه دلالت وضعی (حداقل در غیر اسم جنس). و اینکه، شمول عام در تمام افراد خویش است ولی شمول مطلق به نحو بدلی (یعنی یک حالت از حالات متعدد) است و شامل همه حالات افراد خویش نیست. و اینکه عام پس از تخصیص از عموم می افتد در حالی که مطلق می تواند از جهتی مقید شود و از جهتی دیگر اطلاق داشته باشد. و نیز شمول عام، اکثراً استغراقی بوده و شمول مطلق غالباً بصورت عام البدل است. از آنجائیکه غرض اصلی از تبیین اطلاق و تقید، بیان کیفیت جمع بین دو دال می باشد، لذا نویسنده با تحقیق گسترده در این خصوص، فروعات و شقوق موجود در این بحث را بگونه ای تقسیم شده و قابل فهم در آورده نیز راه کار ارائه شده از سوی اصولیین را در جای توان ذکر و در ادامه به بیان کیفیت حمل مطلق و مقید در آیات الاحکام پرداخته است. آنگاه در این فصل به الفاظ مطلق با نگاه به قوانین موضوعه و آیات مورد بحث اختصاص یافته است. نگارنده در فصل سوم به تبیین موجبات اطلاق در کلام اشاره و تلاش می نماید تا در پنج مبحث مجزا، موجبات و اسبابی که می توان گفت کلام گوینده مطلق است، را بیان نماید. موجباتی که مشهور اصولیین به سه مبحث آن قائلند از قبیل امکان اطلاق و تقید در کلام، عدم نصب قرینه و نیز در مقام بیان بودن متکلم ولی درباره سه مقوله "وجود قدر متیقن در کلام"، "انصراف" و "سبب ذی" اختلافاتی وجود دارد که با تحقیق بعمل آمده روشن می شود که این سه مقوله راجع به سه توله مشهور اصولیین می باشد. و در نهایت فصل آخر به عملیاتی نمودن مباحث اطلاق، سبب ذی در آیات الاحکام اختصاص و در حدود ۱۰۴ آیه از آیات شریفه که رسالت بیان احکام را دارند، با تکیه بر نظریات فقهی برخی فقها بررسی نموده گردیده است.

مقدمه

رویکرد علم اصول رویکردی عملیاتی بوده و علم‌یست آلی و در خدمت علوم دیگر، برای رسیدن به اهداف خاص. که با این نگرش، مبحث مهم مطلق و مقید که از جمله مباحث پیچیده علم اصول است در آیین آیات الاحکام دنبال شده است. مراد واقعی قانون گذار در لابلای جملات و کلماتش نهفته است؛ اینکه مستمع و مخاطب چگونه از آنها به مراد متکلم دست یابد، به نحوه استفاده (ارادی یا غیر ارادی) از قواعد و اصول فن برمی گردد. هر چه مخاطب و مستمع بر قواعد فن آشناتر باشد به مراد جدی متکلم نزدیکتر است. گاهی مراد گوینده عام و گاه به وسیله خاص (موخر یا مقدم) تخصیص خورده و از دایره عمومیت افتاده است و زیر بخش کلمات متکلم مطلق بوده و تمام افراد تحت خود را شامل میشود و گاه این اطلاق با وجود تعدی معنود گردیده است. راهنمایان دینی ما به نحوه بیان احکام الهی توجهی خاص داشته و مرجع اصلی دین را قرآن (آیات الاحکام و ...) معرفی نموده اند. بنابراین علاوه بر آشنایی به زبان عربی و شناخت سبک بیان قرآن، آشنایی کل با جهان بینی قرآنی نیز شرطی لازم می باشد. قرآن کریم به دلیل این که به زبان عربی میباشد، از قواعدی پیروی می کند که هر کتاب یا نوشته دیگر لزماً از قواعد خاص خود، پیروی کند. در ارائه پیام، گاه مطلب به صورت (عام) بیان می شود و پس از آن ویژگیهای آن ذکر می شود تا آن کلام عام را تخصیص بزنند، گاه مطلب به تناسب حال و مقال، به اجمال مطرح می شود و سپس در موقعیت مناسب ابعاد آن به تفصیل بیان می شود، گاه مطلب امری انتزاعی و ذهنی است و گاه امری خارجی و واقعی ملموس و... که در اصطلاح فقه اصول فقه از این مسائل زبانی با عناوین عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین، مفهوم و مصداق و... یاد می شود. و از سویی، بیشتر آثار مهم، سبک ویژه ای دارند، این سبک ویژه، به آن آثار برجستگی می دهد. بی توجهی به آن سبک می تواند سبب دوری از فهم، یا بدفهمی آن متون شود. از جمله می توان به سبک ویژه متون قانونی، علوم تجربی و متون ادبی اشاره کرد. کلمات قانون، محکم، صریح، تعریف شده و خالی از عناصر خیال و عاطفه است، یعنی هیچ کسی

انتظار ندارد در یک متن قانونی، تصویری زیبا از یک عاطفه انسانی بیاید که با عنصر خیال درهم آمیخته باشد در قانون به صورتی خشک ابعاد حقوقی مسأله درباره شاکی و متهم بررسی می شود، قرآن در بیان معارف و احکام روش و سبک ویژه ای دارد. گاه این روش مربوط به ساخت زمانی بیان حکم است، که شأن نزولها می توانند کمک خوبی برای فهم ساخت معنایی آیات قرآنی، در این بعد باشند و گاه مربوط به ساخت یابی قرآن، مثل وجود محکم و متشابه، ظن و بطن، ناسخ و منسوخ و... در قرآن، بنابراین، برای دریافت احکام از قرآن کریم هم باید دیدگاه خاص قرآن شناسانه مسلح بود و هم به فهم جهان بینی قرآنی و نیز باید به مراجعی رجوع داشت که قرآن در خانه آنان نازل شده است.

استاذ اهل بیت (ع)، قرآن را در فقه به چند روش «تمسک، تبیین و...» میباید.^۱ منظور از تمسک، این است که امام معصوم (ع) برای بیان حکم، آیه ای را تلاوت کند که حکم به صراحت در آن موجود باشد و آیه مورد نظر در بیان حکم آنقدر روشنی داشته باشد که امام (ع) بتواند بر فهم مخاطب اعتماد کند. درباره معنای آیه شرحی ندهد. بنابراین تمسک در مواردی است که آگاه کردن از وجود حکم در قرآن منظور باشد مانند: «عن الزهري، عن علي بن الحسين (ع) قال: صوم السفر والمرض وان العلة اختلف في ذلك، فقال قوم: (يصوم) و قال قوم: (لا يصوم)، وقال قوم (ان شاء صام و ان شاء افطر) اما نحن فنقول: يفطر في حالين جميعاً فان صام في السفر او حال المرض، فعليه القضاء، وانك ان الله يقول «و من كان منكم مريضاً او على سفر فعلة من ايام اخر يريده الله بكم اليسر ولا يريد الله منكم العسر»^۲ زهري، از امام زين العابدين (ع) نقل کرده است که آن حضرت فرمود: درباره روزی در سفر و بیماری اهل سنت اختلاف کرده اند، برخی گفته اند: (واجب است روزه بگیرد) برخی می گویند: (واجب نیست روزه بگیرد) برخی گفته اند: (اگر خواست روزه بگیرد و اگر خواست افطار کند و اما ما می گوئیم در هر سفر و بیماری، روزه افطار می شود، بنابراین اگر کسی در سفر یا

^۱ علوی نژاد، سید حیدر، روش شناسی تفسیر اهل بیت، مجله پژوهشهای قرآنی، بی تا، شماره ۳، ص ۱۶۹.

^۲ عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر (معروف به تفسیر عیاشی) به تصحیح سید هاشم رسول محلاتی، تهران، المكتبة العلمية الإسلامية، ج ۱، بی تا، ص ۸۲.

در حال بیماری روزه بگیرد قضای آن روز بر او واجب است، زیرا خداوند می فرماید: «و آن کسی که بیمار یا در سفر است، روزه های دیگری را به جای آن روزه بگیرد، خداوند راحتی شما را می خواهد و نه زحمت شما را»^۱ ظاهراً تمسک حضرت سجاد (ع) به (فعدة من ایام آخر) است، زیرا در این آیه مبارکه حکم مسافر و مریض به طور «مطلق» این است که روزهایی دیگر، غیر از روزه های بیماری و سفر آن روزه را قضا کنند، فرقی نمی کند که روزه را طبق دستور قرآن افطار کرده باشد و یا مخالفت ورزیده، افطار نکرده باشد «عن بعض اصحابنا، قال: اتت امیة الی عمر، فقالت: یا امیر المؤمنین! انی فجرت، فاقم فی حدّ الله، فأمر برجمها، وکان امیر المؤمنین حاضراً قال: فقال له: سلها کیف فجرت. قالت: کنت فی فلات الأرض، اصابنی عطش شدید، ففعلت بی خیمه، فأتیته، فاصبت فیها رجلاً اعرابياً، فسأله الماء، فأبى علی أن یسقینی، الا ان امکنه من نفسی، فولبت عنه هاربة، فاشتدّ بی العطش حتّی غارت عینای و ذهب لسانی، فلما بلغ ذلک منی، اتت فسقانة، و وقع علیّ فقال له علی (ع) هذه الّتی قال الله «فمن اضطرّ غیر باغ ولا عاد...»^۲ و هذه غیر باغ ولا عادیه، فخل سیلها. فقال عمر: لولا علیّ لهلک عمر. برخی از اصحاب ما نقل کرده اند که پس از آنکه عمر خلیفه دوّم آمد و گفت ای امیرمؤمنان! من مرتکب فجور شده ام، پس حدّ خدا را بر من جاری کن، خلیفه به رجم آن زن دستور داد. امیرالمؤمنین (ع) حاضر بود، فرمود تا از این زن پرسش چک به مرتکب فجور شده است زن عرض کرد: در بیابانی بی آب و علف بودم، به شدّت تشنه شدم، خیمه ای به نظرم رسید. به آن خیمه رفتم. در آن جا با مردی بادیه نشین رویه رو شدم و از او آب خواستم از آب دادن به من ابا کرد، مگر این که خودم را در اختیار او بگذارم، با ترس از آن جا بر شدم. تشنگی ام بیشتر شد، تا آن جا که چشمانم جایی را نمی دید مگر با من از سخن بازماند. وقتی به آن حالت افتادم، پیش آن مرد رفتم، او به من آب داد و سپس با من در آمیخت، علی (ع) به خلیفه دوّم فرمود:

^۱ صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، من لایحضره الفقیه، ناشر جمعه مدرّسین، قم، چاپ دوم، سال

۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۱۲۳

^۲ سوره بقره آیات ۷۶، ۷۷

این آن چیزی است که خداوند می فرماید: (مگر آن کس که مجبور شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد...) و این زن ستمگر و متجاوز نیست، پس راهش را باز کن تا برود در این هنگام خلیفه گفت: اگر علی (ع) نبود عمر (با این حکم خویش) هلاک شده بود.^۱

مقصود از اصطلاح (تبیین) مواردی است که معصوم (ع) با دیدی زبان شناختی و با توجه به عناصر عمومی زبان، یا عناصر ویژه زبان عربی، یا عناصر سبکی ویژه قرآن کریم، واژگان، تعبیر و یا جمله ای را تبیین می کنند که گاه در تبیین آیات دیدگاه عمیق زبان شناختی به چشم می خورد. گاه مدف تبیین جایگاه دستوری واژه در جمله است. این نوع بیان در بیشتر موارد غیرمستقیم است و معنای جمله با توجه به جایگاه آن واژه در جمله بیان می شود، یعنی بدون آن که از فاعل و دهنه سخن گویند، جمله را گونه ای معنی می کنند که آن واژه در ساخت دستوری جمله جایگاه فاعل را بگیرد. مواردی را که امام معصوم (ع) با دیدی جامعه شناختی (مردم شناسی و فرهنگ شناسی مخاطبان زبان قرآن عربیها) مفهوم واژه یا جمله ای را بیان می کنند، در آیه ۲۳ از سوره نساء قرآن کریم می فرماید: «حرمت علیکم... وامهات نسائکم و ربائکم اللاتی فی حجورکم من نسائکم اللاتی دخلتم بهن فان لم تکنوا دخلتم بهن فلا جناح علیکم...» حرام شده است بر شما... و دران همسرانان، و دختران همسران که در دامان شما پرورش یافته اند از همسرانی که با آنها آمیزش جنسی داشته اید، و چنانچه با آنها آمیزش جنسی نداشته اید، (ازدواج با دختران آنها برای شما مانع ندارد). در این زمینه مرحوم فیض کاشانی در کتاب تفسیر خود در ذیل آیه شریفه با استناد به روایتی بیان داشته: «از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده هنگامی که مردی با زنی ازدواج می کرد، دختر آن زن بر او حرام می شود، در صورتی که با مادرش آمیزش جنسی داشته باشد، اما اگر با مادرش آمیزش نداشت ازدواج با دختر او برای مرد اشکالی ندارد و هنگامی که با دختری ازدواج کند چه با او آمیزش کرده باشد یا نه، مادر آن دختر بر او حرام می شود.»^۲ مرحوم فیض در بیان علت این

^۱ مجاسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، لبنان، سال ۱۴۰۴ ق، ج ۱۵، ص ۲۳۴.

^۲ فیض کاشانی، محسن، التفسیر الصافی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق، ج ۱، ص ۴۳۵.

حکم به روایتی دیگری از امیر المومنین استناد و بیان داشته که آن حضرت در بیان علت حکم فرمودند: « هذه مستثناة وهذه مرسله (وامهات سائکم) ^۱ این یکی |ربیه| استثناء شده است |یعنی حرام بودن او مشروط به این است که با مادرش آمیزش جنسی داشته باشد| و این یکی |مادرزن| مرسله است ». (به طور مطلق حرام میشود و مشروط به شرطی و مقید به قیدی نیست) با نگاه به نحوه تفسیر در این آیه شریفه و لسان روایت، ملاحظه می شود که تبیین براساس عنصری از عناصر عام زبان است، و این مخصوص قرآن نیست، چرا که در هر کتاب دیگری حکم است مسأله ای با قید عنوان شود و مسأله ای دیگر بدون قید و شرط. در این آیه، حرام بودن دختران همسر مشروط است، ولی در مورد مادر زن، در آیه هیچ شرط و قیدی وجود ندارد.

در این زمینه می توان به روایت دیگری نیز توجه نمود که در آن ائمه معصومین چگونه با توجه به اوصاف خاص الذی، بانی و مقصود از آیه شریفه را تبیین می نمودند برای مثال از امام صادق ^۲ درباره امر به معروف و نهی از منکر سؤال شد که آیا بر همه امت و جمیع مردم واجب است؟ حضرت فرمود: « نه غرض شما چیست؟ » فرمود: امر به معروف و نهی از منکر بر شخصی واجب است که قوی باشد و سخنش مطاع، آگاه به معروف و منکر، نه بر شخصی ضعیف که راه حق از باطل را نمی شناسد. دلیل این گفته، سنن خداست که می فرماید: « و باید از میان شما، گروهی |مردم را| به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وایرانند و از رشتی باز دارند،» این بیان خاص است و عام نیست. همچنین خداوند فرمود: (و از بان قوم موسی جماعتی هستند که به حق راهنمایی می کنند و به حق داوری می نمایند و فرمود: (بر کل امت موسی) و نیز نفرمود: (بر کل قوم موسی) با آن که قوم موسی در آن زمان امتیابی بودند، و (امت) بر یک نفر و بیشتر از آن اطلاق می شود. همان گونه که خداوند عزوجل می فرماید: ابراهیم |به تنهایی| امتی بود مطیع فرمان خدا. « با توجه به این مباحث روشن میشود، که این کتاب از این زاویه

^۱ همو، همان، ص ۴۳۶.

^۲ آخر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، چاپ دار الحدیث، قم سال ۱۴۰۱، ج ۱۱، ص ۴۰۰.

به موضوع آیات الاحکام پرداخته که چگونه بزرگان دینی با استناد به مباحث مهمی چون مطلق و مقید به تفسیر و تبیین آیات و استنباط احکام می پرداختند.

www.ketab.ir